

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۰۵ جولای ۲۰۲۵

از منابع دیگر

دوسیه قتل احمد ظاهر

... پیوسته به گذشته

قسمت سوم

اسماعیل محشوراین راز داری را این چنین ادامه میدهد :

" من در حالیکه احمد ظاهر را دلداری میدادم مؤکداً از آنها خواهم کردم که از رفتار اهانت آمیز و زجر و شکنجه احمد ظاهر بپرهیزند. آنها در حالیکه مصروف ولچک نمودن احمد ظاهر بودند خواهشات مرا با حرکات سر لیبیک میگفتند. احمد ظاهر را سربازان مسلح در میان موتر نوع پیکپ که حالا به سراچه معروف شده است، شام همان روز بطرف کابل بردند. همراهان احمد ظاهر عجلتاً در پغمان نزد ما ماندند."

"همراهان احمدظاهر سه نفر بودند، دو خانم و یک مرد. خانم اولی که دوست احمدظاهر بود، فخریه نام داشت و خانم دومی دوست محمد قاسم که شغل اصلی اش عکاسی بود شفیقه نام داشت. (بمنظور حفظ اسرار اشخاص و فامیلها از نوشتن تخلص و معرفی دقیق اینها که اکثراً به فامیل های معروف و بعضاً اشرافی آنزمان تعلق داشتند، احتراز صورت میگیرد)"

"و شام همین روز اولین مرحله تحقیقات از احمد ظاهر آغاز شد. (در مورد سه نفر متهم دیگر باید تذکر بدهم که از فخریه نامه، شفیقه نامه و محمد قاسم تحقیقات ابتدایی در ولسوالی پغمان آغاز شد. آنها بعد از آنکه خبر شدند که خالده کشته شده است سخت ترسیدند، ولی فخریه نامه بعوض دادن تحقیق و نوشتن جواب در مقابل پرسش های موظفین، به آنها با اصرار میگفت که: " شما مرا بالفعل با احمدظاهر گرفتار کرده اید، باید بحکم شریعت مرا با وی نکاح نمائید."

" احمدظاهر از اشخاصی چون صمد پسر کاکایش، صمد معروف به داردار، نینواز، عبدالاحمد "ادا" مصنف و شاعر، نوریه سوما، فعلاً پرستو، هنرمند، نسیمه از زنان معروف و زیبای کابل، احمد شاه علم و ... نام برده بود."

" در آغاز هفته دوم تحقیقات، به ابتکار یک مامور با تجربه از همسایه ها و اشخاص دور و پیش محل سکونت خالده اخذ معلومات صورت گرفت که در آن در جمله سایر اشخاص از خانمی بنام " خوبان " بحیث دوست بسیار نزدیک خالده نام برده شد که میتوان گفت با احضار این خانم کلید کشف حقایق بدست آمد،"

"خوبان نامه که در آنزمان خانم بیست و چند ساله ای بیش نبود صبیبه فقیر محمد خان دیوه گلی است که نامبرده یکزمانی رئیس احصایه نفوس وزارت امور داخله بود، ولی در همان زمان خانم آقای نبیل ملک اصغر دیپلومات و مامور وزارت امور خارجه بود. مادر خوبان که بنام خانم فقیر شهرت داشت اصلاً ترکی بود."

" زمانیکه تحقیقات اساسی در ولایت کابل صورت گرفت در مورد فخریه نامه روشن گردید که نامبرده در همین وقت دستگیری در عقد نکاح شخص دیگری قرار داشت که اسم آن شخص هارون... بود، یعنی در واقعیت امر فخریه جان اصرار میورزید که در عین حال در عقد نکاح دو نفر درآید که این امر نه تنها در قانون شریعت و سایر قوانین نافذ افغانستان روا و جایز نبود، بلکه گمان کنم در همان وقت (۱۳۵۴ - ۱۹۷۵) در قانون و اصول رسمی هیچ کشوری مجاز نبود."

"زمانیکه احمد ظاهر، که در توقیف ولایت کابل تحت نظارت قرار داشت، برای تحقیقات احضار گردید، خیلی مضطرب و پریشان بود. اتفاقاً احمد ظاهر در لحظه ای که پرگل خان را موظفین از اتاق خارج میکردند، به اتاق تحقیق آورده شد و شعار های پرگل خان را فهمید و به مجرد قرار گرفتن بمقابل هیأت قبل از آنکه پرسش های ما آغاز یابد از ما پرسید که: «ای کاکا چرا بالای من و فامیلم قهر است؟ آیا علاوه از اتهام قتل خالده این آغا نیز ادعای قتل دختر خود را بر من دارد؟» هیأت قبل از همه از موظفین توقیف ولایت که احمدظاهر را آورده بودند خواست تا ولچک های دستان احمدظاهر را باز کنند و بعد از آن به احمد ظاهر گفته شد که آیا این شخص را میشناسی؟ وی گفت که: «قطعاً او را نمیشناسم. همین قدر معلوم میشود که او را بسیار درد رسیده و بالایش ظلم شده ولی رمز نام گرفتن من و فامیلم را نفهمیدم». من برایش گفتم که ظاهر جان، این شخص خسر محترم شما یعنی پدر خالده است و اگر تو او را نمی..."

"نه تنها حضور، بلکه موافقه ولی منکوحه یکی از شرایط مکمل نکاح است. احمدظاهر گفت: «این موضوع اشتباه ولایت و محکمه است که باید از مسوولین آن پرسان شود.» و بدین صورت تحقیق قتل جنجال برانگیز خالده نامه آغازگردید."

" احمدظاهر یکی دو ساعت مصروف نوشتن پاسخ به اولین دسته از پرسش ها شد که متن همین پاسخ ها موضوع را انکشاف داد، به این معنی که او اسمای یکعه اشخاص را که درین یک هفته ملاقات کرده بود ارایه نمود و هیأت به مؤظفین پولیس احضار چندین تن از آن اشخاص را برای فردا هدایت داد. احمدظاهر از اشخاصی چون صمد پسر کاکایش، صمد معروف به داردار، نینواز، عبدالاحمد "ادا" مصنف و شاعر، نوریه سوما، فعلاً پرستو، هنرمند، نسیمه از زنان معروف و زیبای کابل، احمد شاه علم و ... نام برده بود. تحقیقات از اشخاص قلمدادی و اشخاص طرف ادعای مدعی یعنی پرگل خان در طول هفته اول برای رسیدن به حقایق سودی نبخشید. ولی باید تذکر داد که بعدها معلوم گردید سو استفاده های پولی و جنسی شعبات پولیس از همان روز اول آغاز گردیده بود و باوجود تلاش هیأت در جهت جلوگیری، بشدت تا آخر ادامه داشت."

باتاسف بایست بنویسم که سرپای نوشته اسماعیل محشور، شاهد نام بردن بسیاری از انسانهایی است که به نظر من اسماعیل به هیچ وجه حق ندارد، نام افراد را در یک نبشته سرگشاده برای همه خوانندگان بیان دارد. حریم زندگی شخصی انسانها برای اسماعیل محشور هیچ معنی و مفهوم ندارد. در جامعه پیش مدرن افغانستان، مستبدین حاکم از هر قماش که بودند؛ حق زندگی را از انسانها گرفتند و بسیاری را سر به نیست کردند، اما برای اسماعیل محشور که هم اکنون در یک کشور فدرال مانند سویس زندگی میکند، باید این مساله مفهوم شده باشد که حریم زندگی شخصی انسان باید از هر نوع تعرض مصون باشد. اسماعیل محشور در کدام محکمه و در برابر کدام قاضی یا داور با صلاحیت نشسته است که از انسانها و خانواده ها نام می برد ؟

نبشته اسماعیل محشور نه تنها بر حریم شخصی انسان ها پا گذاشته، بلکه سراپا پر از تناقض نیز میباشد که من به چند نمونه آن توجه شما را جلب مینمایم.

تناقض گوئی اسماعیل محشور در مورد بالفعل گرفتار نمودن فخریه جان :

اسماعیل محشور نوشته است که " ولی فخریه نامه بعوض دادن تحقیق و نوشتن جواب در مقابل پرسش های مؤظفین، به آنها با اصرار میگفت که: "شما مرا بالفعل با احمد ظاهر گرفتار کرده اید، باید بحکم شریعت مرا با وی نکاح نمائید"

ادامه دارد...